

سیر تطور معنای «انشقاق قمر» در تفاسیر قرآن کریم

طاهره عبدالحسینی حسین آبادی^۱

سوسن آل رسول^۲

محمد حسین توانایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸، صفحه ۶۸ تا ۸۹ (مقاله پژوهشی)

چکیده

یکی از مناقشه برانگیزترین آراء در بین مفسرین قرآن، درباره تفسیر آیات ابتدایی سوره قمر و استناد آن به وقوع شق القمر در زمان حیات رسول اکرم (ص) یا یکی از علائم قیامت می باشد. از آنجایی که یکی از راه های پردازش متون، توجه به سیر تاریخی و فراوانی آن ها در منابع اسلامی است مقاله حاضر به تحلیل ریشه ها و روند تاریخی ورود و رشد این نظریه ها می پردازد. اطلاعات این تحقیق از منابع مکتوب روایی و تفسیری، جمع آوری و سپس با روش توصیفی-تاریخی تحلیل شده است. بر اساس مطالعات انجام شده از عصر صحابه و تابعین تا قرن پانزدهم نتایج نشان می دهد نظریه «انشقاق قمر در آینده» تا اواسط قرن چهارم در کتاب های تفسیری وجود نداشته است. روایات مورد استناد این دسته همه با فاصله زیاد از عصر نزول بوده، چنانچه فریقین در صحت سندی آن ها تشکیک کرده اند. سایر دلایل مطرح شده توسط این دسته نیز متناسب با ورود اندیشه های تازه در جامعه به مرور رشد کرده تا بدان جا که در عصر حاضر استبعاد وقوع این معجزه با علم روز بیشتر مورد توجه بوده است. البته در مقابل این تفسیر، اکثریت مفسرین قائل به صحت و گاه تواتر در احادیث دال بر وقوع شق القمر به عنوان معجزه رسول اکرم (ص) شده و به تناسب زمانه به مقابله اجمالی یا تفصیلی با ادله مخالفین پرداخته اند.

کلیدواژه ها: تفاسیر قرآن، انشقاق قمر، معجزه، قیامت.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

mlary999@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، (نویسنده مسئول).

s_alerasoul@kiau.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

dr.tavanaieesareh@kiau.ac.ir

درآمد

در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که پیوسته محل مناقشه مفسران و دیگر علمای اسلام بلکه مخالفین است. از جمله این آیات، می‌توان آیه ولایت (المائدة/۵۵)؛ مباحله (آل عمران/۶۱)؛ تطهیر (الاحزاب/۳۳) را نام برد. یکی دیگر از این آیات مربوط به انشقاق قمر (القمر/۱) است. درباره تفسیر و تبیین آیات ابتدایی سوره قمر و جریان انشقاق قمر مواجه با دو نظر کاملاً متفاوت هستیم. اکثریت مفسرین اتفاق بر شکافت ماه در زمان حیات حضرت رسول (ص) داشته و آن را از معجزات ایشان دانسته‌اند. گروهی نیز معتقدند که آن حضرت (ص) معجزه‌ای به غیر از قرآن نداشته و «انشقاق قمر» در آینده اتفاق خواهد افتاد. موافقان تفسیر مشهور از شهادت قرآن و زنجیره‌ای از روایات و صحابه ثقه، سود می‌جویند و مخالفان با زیر سؤال بردن اعتبار روایات مورد استشهاد آنان، آیات مورد نظر را به نحو دیگری تفسیر می‌کنند مخالفان تفسیر مشهور بیان فعل ماضی در «وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ» را در حکم مستقبل و تأکید بر وقوع در قیامت و اینکه حتماً این انشقاق اتفاق خواهد افتاد، می‌دانند نه از باب اینکه این اتفاق در زمان حیات آن حضرت رخ داده است. تاریخ‌گذاری ورود این اختلاف فتح بابی برای رسیدن به سرمنشأ ایجاد این اختلافات در تفاسیر می‌باشد. متذکر می‌شویم که در این مقاله تاریخ تفاسیر در هر قرن بر زمان فوت مفسر طبقه‌بندی شده است.

طرح مسأله

در این مقاله ما به دنبال یافتن آغاز اختلافات تفسیری در تاریخ تفاسیر و روند شکل‌گیری و تطور آن در سده‌های بعدی هستیم؛ تا شاید نتایج حاصله بتواند تأمل و تدقیق بیشتری در بررسی ادله هر دو گروه ایجاد کرده و نشان دهنده اهمیت وجود باب‌هایی در کتب حدیثی مهم مانند کافی و صحیحین و... درباره معجزات و کرامات پیامبر اسلام (ص) باشد. تاکنون تحقیقات تاریخی اولین گزارش‌های نظریه انشقاق قمر در آینده در تفاسیر به صورت منسجم مشاهده نشده است. ما در این مقاله به دنبال این سؤال که نظریه انشقاق قمر چه موافق و مخالف از چه زمانی وارد تفاسیر شده است؟ و اینکه آیا تفسیر انشقاق قمر در آینده از صحابه به تابعین و دیگران انتقال پیدا کرده؟ آیا اختلافات تفسیر در خصوص انشقاق قمر در سده‌های بعدی وارد تفاسیر شده؟ این پرسش‌ها باعث شکل‌گیری این تحقیق و جواب آن‌ها می‌تواند در روند تحقیق‌های بعدی در خصوص انشقاق قمر مثمر ثمر باشد.

۱. تاریخ‌گذاری آراء تفسیری موافق انشقاق قمر در زمان رسول الله (ص)

مفسرین در خصوص تفسیر آیه اول سوره «القمر»، اکثریت انشقاق قمر را معجزه آن حضرت که در مکه پنج سال قبل از هجرت اتفاق افتاده، می‌دانند. تاریخ‌گذاری تفسیر این آیه می‌تواند در روشن شدن ابعاد مختلف این مناقشه مؤثر واقع شود.

۱-۱. عصر صحابه و تابعین

تفسیر قرآن در بدو ظهور خود بیشتر تحت تأثیر روش علم‌الحدیث بود و مسلمانان در تفسیر و توضیح آیات به اسناد صحیح و منقول از صحابه و تابعین متکی بودند، به مرور زمان دایره آن وسعت یافت. از ابن عباس (۶۸ق) صحابی پیامبر اکرم (ص) در تفسیر آیه «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أَنْشَقَ الْقَمَرُ» نقل شده است که ماه در زمان رسول خدا (ص) شکافت و دونیم شد. (بخاری، ۱۴۱۰ق: ۳۳/۸) و نیمی بر کوه و نیمی بر طرف دیگر و رسول خدا (ص) فرمودند: «شهادت دهید». (ابن حنبل، ۱۴۱۲ق: ۳۰۳/۷) پس از ابن عباس، جبیر بن مطعم (۹۵ق) به نقل از پدرش می‌گوید ماه در زمان رسول خدا (ص) شکافته شد و به دونیم گشت، قسمتی بر این کوه و قسمتی بر کوه دیگر و آنها گفتند محمد ما را جادو (مجنوب خود) کرد و بعضی گفتند اگر این جادوی ما باشد، نمی‌تواند همه مردم را جادو کند... الخ. (ابن حنبل، ۱۴۱۲ق: ۳۱۴/۲۷؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ۲۳۵/۵)

ابن مسعود (۳۳ق) نیز نقل کرده است که: ماه در زمان رسول خدا (ص) شکافت و دو قسمت شد تا اینکه به آن نگاه کردند، رسول خدا (ص) فرمودند: «شهادت دهید». (ابن حنبل، ۱۴۱۲ق: ۶۰/۶؛ بخاری، ۱۴۱۰ق: ۶۸/۶ و ج ۱۸۷/۶) و در روایت دیگری همین مضمون را با ذکر «منی» به عنوان مکان این واقعه یاد می‌کند. (ابن حنبل، ۱۴۱۲ق: ۳۷۱/۷)

در مجموع می‌توان گفت در عصر صحابه و تابعین در کنار حضور ائمه معصومین: در مکتب‌های تفسیری مکه، مدینه، بصره، کوفه و...، تفسیر آیه مبارکه «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أَنْشَقَ الْقَمَرُ» همراه با روایت‌های صحابه‌ای چون ابن عباس، ابن مسعود، جبیر بن مطعم از پدرش، انس بن مالک، حذیفه بن یمان، عبدالله بن عمر و... تدریس می‌شده و این تفاسیر در بین مسلمانان و شیعیان تا سال ۲۵۰ قمری و حضور معصومین: هیچ‌گاه مورد نقد قرار نگرفته و هیچ روایتی در خصوص تکذیب معجزات پیامبر اسلام (ص) از آنها ثبت نشده است.

۱-۲. قرن دوم هجری

در این قرن تفسیر مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق) از مهم‌ترین آثار قرآنی و کهن‌ترین تفسیر کامل قرآن می‌باشد که به ما رسیده است. نویسنده پیوسته در آن به جمع عقل و نقل پرداخته

است. (معرفت، ۱۳۸۰ش: ۱۴۸/۲) طوسی او را از اصحاب حضرت امام محمدباقر(ص) می‌داند که در حدیث و قرائت قرآن، دانشمندی بزرگ می‌باشد. (شفیعی، بی‌تا: ۶۶)

مقاتل در تفسیر آیهی «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ...» به معنای قیامت و از علامت‌های آن خروج نبی اکرم(ص)، الدخان و انشقاق قمر را نام برده است. او بیان می‌دارد که کفار مکه از آن حضرت خواستند، ماه را دونیم کرد و آن‌ها گفتند این سحر است و خداوند آیه «...وَ اَنْشَقَّ الْقَمَرُ» را نازل کرد. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۱۷۷/۴)

۳-۱. تفاسیر قرن سوم هجری

قرن سوم را می‌توان دوره گسترش اندیشه‌های اهل‌البیت:، اصحاب، تابعان و شاگردان آنان و بالندگی علوم اسلامی دانست. (علوی مهر، ۱۳۸۴ش: ۱۵۸-۱۵۷) در این قرن از حدود هفتاد تفسیر و مفسر از شیعه و اهل سنت نام برده شده است (ادنه وی، ۱۴۱۷ق: ۴۵-۲۵؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷ش: ۳۰۸-۲۶۶) ولی آنچه بدست ما رسیده تفاسیری همچون معانی القرآن فراء(۲۰۷ق)؛ تفسیر عبدالرزاق بن همام صنعانی(۲۱۱ق) و تفسیر تستری(۲۸۳ق) است که به‌خاطر نزدیکی به زمان نزول از اهمیت خاصی برخوردارند و از ویژگی‌های آن‌ها اینکه همان واژگان مذکور در روایات ابن عباس، ابن مسعود و دیگران را بدون تغییر بکار برده و همچنان وقوع شق القمر در عصر رسول اکرم(ص) را اذعان داشته‌اند. (فراء، ۱۹۸۰م: ۱۰۴/۳؛ صنعانی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۷/۲؛ تستری، ۱۴۲۳ق: ۱۵۸)

۴-۱. تفاسیر قرن چهارم هجری

در این دوره نیز اکثر تفاسیر انشقاق قمر را معجزه آن حضرت که در زمان حیات ایشان اتفاق افتاده، دانسته‌اند و به روایات انشقاق قمر و اینکه مردم مکه از آن حضرت خواستند که ماه را به‌عنوان صدق گفتار خویش دونیم کند، استناد کرده‌اند. از جمله تفاسیر: تفسیر ابن وهب المسمی(۳۰۸ق) (دینوری، ۱۴۲۴ق: ۳۵۸/۲)؛ طبری(۳۱۰ق) (طبری، ۱۴۱۲ق: ۵۰/۲۷)؛ تفسیر کبیر (الطبرانی ۳۶۰ق) (طبرانی، ۲۰۰۸م: ۱۵۴/۶-۱۵۳)؛ ابراهیم قمی(۳۸۱ق) (قمی، ۱۳۶۳ش: ۳۴۰/۲)؛ ابن ابی‌زمینین(۳۹۹ق) (ابن ابی‌زمینین، ۱۴۲۴ق: ۳۶۸/۲) از این دسته هستند.

۵-۱. تفاسیر قرن پنجم هجری

در این دوره، گروهی همان تفسیر عصر صحابه را با حفظ امانت در متن بیان کردند. (مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق: ۷۱۸۴-۷۱۸۳/۱۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق: ۱۰۴۵/۲؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق: ۶۰۳/۲) و گروهی از تفاسیر این قرن، انشقاق قمر را از معجزات آن حضرت(ص) می‌دانند و شبهات و نقد

نظر مخالفان در این تفاسیر ثبت شده است. ثعلبی (۴۲۷ق) گفته‌ی عثمان بن عطاء از پدرش (وسینشق القمر) این معنا را که در آینده اتفاق خواهد افتاد، بیان می‌نماید. (ثعلبی، ۴۲۲ق: ۱۶۱/۹-۱۶۰) ماوردی (۴۵۰ق) قول حسن که گفت اگر شکافته بود دیگران هم می‌دیدند، چون این یک نشانه است و مردم در آیات برابر هستند را آورده است. (ماوردی، بی‌تا: ۴۱۰/۵-۴۰۹) طوسی (۴۶۰ق) به نظر کسانی که شکافتن ماه را مانند حسن بصری و دیگران انکار می‌کنند، اعتناایی نمی‌کند و اظهار می‌کند که بلخی ظاهر قرآن را رها کرده و «أَشَقَّ» افاده ماضی می‌کند و حمل بر مستقبل را مجاز می‌داند. (طوسی، بی‌تا: ۴۴۳/۹-۴۴۲) قشیری (۴۶۵ق) این داستان را از دو جنبه معجزه می‌داند: یکی، دیدن اهل مکه و دوم، پنهان داشتن آن از دیگران در مناطق دیگر که خارج از عادت معمول است. (قشیری، ۲۰۰۰م: ۴۹۳/۳)

۱-۶. تفاسیر قرن ششم هجری

در این قرن، گروهی از تفاسیر همان نظر تفاسیر عصر صحابه را بیان کردند. (بغوی، ۴۲۰ق: ۳۲۰/۴؛ میدی، ۱۳۷۱ش: ۳۸۷/۹-۳۸۶) سایر تفاسیر این قرن علاوه بر تاکید «وقوع شق القمر» در زمان رسول خدا (ص)، اشاره به نظر مخالفین هم کرده‌اند از جمله زمخشری (۵۳۸ق) در تفسیر الکشاف که به قول برخی که انشقاق قمر را به معنای شکافته شدن در قیامت دانسته‌اند، اشاره می‌کند و آیه دوم را بر رد این قول کافی می‌داند. (زمخشری، ۴۰۷ق: ۴۳۱/۴-۴۳۰) ابن عطیه (۵۴۲ق) نیز قول ثعلبی را به همین مضمون نقل می‌کند و آن را ضعیف می‌داند. (ابن عطیه، ۴۲۲ق: ۲۱۲/۵-۲۱۱) طبرسی (۵۴۸ق) با اشاره به روایات مشهور صحابه، بیشتر مفسرین را قائل بر وقوع شق القمر در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) می‌داند، مگر عثمان بن عطاء که از پدرش روایت می‌کند که معنای آیه یعنی ماه در آینده شکافته می‌شود و این معنی از حسن و بلخی هم رسیده که آن‌ها را صحیح نمی‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۸۰/۹-۲۸۲؛ طبرسی، ۴۱۲ق: ۲۰۷/۴) نیشابوری (۵۵۳ق) نیز فقط به قول حسن بصری که فعل ماضی انشق را به معنای ینشق به دلیل تحقق امر و تاکید دانسته اشاره می‌نماید و آن را باطل می‌شمارد. (نیشابوری، ۴۱۰ق: ۳۵۱/۲) ابوالفتوح رازی (۵۵۶ق) و ابن جوزی (۵۹۷ق) نیز معنای «و سینشق القمر» را برای آیه از قول عطا نقل کرده و آن را خلاف اجماع علما دانسته‌اند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۱۴/۱۸-۲۱۳؛ ابن جوزی، ۴۲۲ق: ۱۹۶/۴-۱۹۷) خزرجی (۵۹۲ق) بیان می‌دارد چگونه با وجود این روایت‌ها از منابع معتبر همچون بخاری، مسلم و دیگر شیوخ حدیث که به تواتر از اصحاب بزرگ رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند، از جمله

ابن مسعود... و دیگران که به وضوح وقوع چنین حادثه‌ای را ذکر کرده‌اند، قائل به وقوع آن در قیامت شده‌اند؟ (خزرجی، ۱۴۲۹ق: ۳۶۹-۳۶۸)

۱-۷. تفاسیر قرن هفتم هجری

در این قرن، ابن عربی (۶۳۸ق) با حفظ امانت همان نظر صحابه را بیان کرده است. (ابن عربی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۶/۴-۲۲۵)

گروهی دیگر از تفاسیر این قرن پس از تاکید بر صحت وقوع این اتفاق تعدادی از شبهه‌های این جریان را مطرح می‌کنند از جمله:

الف) بحث ماضی مستقبل و اینکه قرار است در آینده (قیامت) این انشقاق صورت پذیرد. (ب) خبر آن در حد تواتر نیست. (ج) قرآن معجزه باقیه است و تا قیامت هیچ معجزه‌ای نیست. (د) برای اولین بار در این قرن در تفاسیر بحث خرق و التیام در افلاک مطرح شده که نظام جهان با انشقاق قمر از نظم خود خارج می‌شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۸۸/۲۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۶/۵؛ رسعی، ۱۴۲۹ق: ۵۱۰/۷-۵۰۷؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق: ۲۴۴/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۲۶/۱۷-۱۲۵)

۱-۸. تفاسیر قرن هشتم هجری

در این دوره نیز، ابن کثیر (۷۷۴ق) با حفظ امانت همان نظر صحابه را بیان کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۴۴۰/۷-۴۳۵) دسته‌ای از تفاسیر نظر مخالفان را نیز نقد می‌کنند، مانند طوفی (۷۱۶) که قول برخی فلاسفه مبنی بر عدم پذیرش نقص و التیام توسط نجوم و سایر اجرام آسمانی را ضعیف اعلام می‌کند. (طوفی، ۱۴۲۶ق: ۶۱۲) نظام الاعرج (۷۲۸ق) نظر برخی که منظور شکافتن ماه در آینده و بیان ماضی طبق عرف قرآن برای تاکید بر انجام آن است و اگر اتفاق افتاده بود، باید گزارش آن بین مردم به حد تواتر می‌رسید، را رد نموده است. (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق: ۲۱۷/۶-۲۱۶) ابن جزی (۷۴۱ق) اینکه ماه در قیامت شکافته خواهد شد سخنی نادرست دانسته که توسط احادیث معتبر گزارش شده رد می‌شود و امت بر وقوع این امر و تفسیر آیه با هم توافق دارند. (ابن جزی، ۱۴۱۶ق: ۳۲۲/۲) خازن (۷۴۱ق) ادعای اجماع مفسرین بر رد تفسیر آیه به وقوع شق القمر در قیامت را رد کرده، زیرا خداوند آن را با عبارت گذشته یادآوری نموده و حمل گذشته بر آینده بعید است. (خازن، ۱۴۱۵ق: ۲۱۷/۴) ابوحیان (۷۴۵ق) نیز اجماع امت را مطرح و آیه دوم را دلیل رد شکافتن ماه در قیامت می‌داند. (ابوحیان، ۱۴۰۷ق: ۳۳/۱۰) همچنین احمد بن یوسف سمین (۷۵۶ق) در انتهای این قرن با اصرار بر صحت روایات مذکور معتقد است در آیه «...وَأَنْشَقَّ الْقَمَرَ» فعل

ماضی بر حقیقت معنی ماضی دلالت می‌کند و نمی‌توان آن را حمل بر مجاز کرد. (سمین، ۱۴۱۴ق: ۲۲۰/۶)

۹-۱. تفاسیر قرن نهم هجری

در این قرن، تفسیر الثعالبی (۸۷۵ق) همان نظر صحابه را بیان کرده است. (ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۳۳۶/۵)

دسته‌ای از تفاسیر پس از تایید نظر صحابه، شبهات مخالفان را بیان می‌کنند. ابن عرفه (۸۰۶ق) به ذکر مناظره ابوبکر باقلانی (۴۰۳ق) پرداخته است که از طرف خلیفه وقت به برخی از کشورهای رومی فرستاده شده بود و در مباحثات به او اشکال گرفتند که آیا تنها شما مسلمانان شکافتن ماه را دیدید؟ وی در پاسخ گفت: در یک منطقه ماه گرفتگی می‌شود و مردم آن منطقه که در محاذات آن هستند، می‌توانند این ماه گرفتگی را ببینند. وی فرمود: آسمان کروی است، وقتی ماه شکافت، روم از قریش دور بود و ممکن است ابرها در سرزمین رومیان آن را پوشانده باشند مثل زمانی که خورشید پشت ابرها پوشانده ولی در جاهای دیگر پوشیده نیست. (ابن عرفه، ۲۰۰۸م: ۱۰۸/۴)

همچنین مهائمی (۸۳۵ق) وجود ابر و کوه و تاریکی شب و سکوت را دلیل پنهان ماندن از دید مردم بیان می‌کند. (مهائمی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۷/۲) ولیکن بقاعی (۸۸۵ق) متعرض مطالبی مانند آنچه ابن عرفه و مهائمی گفته‌اند نشده و تنها تأکید به عدم شهرت تفسیر آیه به معنای مستقبل دارد. (بقاعی، ۱۴۲۷ق: ۳۳۹/۷-۳۴۰)

۱۰-۱. تفاسیر قرن دهم هجری

در این دوره تفسیر کاشفی و سیوطی، فقط به تایید همان نظر صحابه اکتفا می‌کنند. (کاشفی، بی تا: ۱۱۹۳-۱۱۹۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۴/۶-۱۳۲)

دسته‌ای دیگر از تفاسیر مضاف بر تایید روایات صحابه نظرات مخالفان را نیز نقد می‌نمایند. ایجی (۹۰۵ق) قائل به اجماع وقوع آن واقعه است و معتقد است مخالفان از قصد آیه عدول کردند. (ایجی، ۱۴۲۴ق: ۲۲۲) شیخزاده (۹۵۰ق) نظر کسانی که تباهی، خرق و التیام در سیارات و انشقاق ماه را نمی‌پذیرند، نادرست می‌داند. (شیخزاده، ۱۴۱۹ق: ۳۲۸-۳۱) خطیب (۹۷۷ق) نظر کسانی که ماضی در آیه مذکور را به معنی مستقبل دانسته‌اند، برخلاف اجماع اعلام می‌کند. (خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق: ۱۴۱/۴-۱۴۰) کاشانی (۹۸۸ق) با این استدلال که شق القمر معجزه پیامبر اکرم (ص) است، پس وقوع آن باید در زمان حیات ایشان بوده تا بر صحت نبوت پیغمبر آخرالزمان (ص) گواه باشد، رد قول وقوع شق القمر در آخرت را می‌کند. (کاشانی، ۱۳۷۳ش: ۹۵/۹-۹۳؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق: ۱۴۲۳)

سیر تطور معنای «انشقاق قمر» در تفاسیر قرآن کریم

۵۲۴/۶ (ابوالسعود ۹۸۲ق) نظر عثمان بن عطا به نقل از پدرش که می‌گوید آن در قیامت اتفاق می‌افتد را مانند برخی دیگر به دلیل آیه بعد (آیه دوم) رد می‌نماید. (ابوالسعود، ۱۹۸۳م: ۱۶۷/۸)

۱-۱۱. تفاسیر قرن یازدهم هجری

در این دوره نیز تفاسیر بر حفظ امانت تفسیر صحابه و نظرات آن‌ها بودند. (اشکوری، ۱۳۷۳ش:

۳۱۱/۴-۳۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۹۹/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۳۲/۲)

۱-۱۲. تفاسیر قرن دوازدهم هجری

در این قرن، جزایری (۱۱۱۲ق) همان نظر صحابه را بیان می‌کند. (جزایری، ۱۳۸۸ش: ۶۳۵/۴) سایر تفاسیر این قرن ضمن اعتقاد به معجزه انشقاق قمر، قول مخالفان را نیز نقل و باطل می‌دانند. (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۲۱۷/۵-۲۱۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۷۴/۵-۱۷۵؛ قمی مشهدی، ۱۲/۵۲۸-۵۲۷) و قونوی (۱۹۵ق) دلیل دیگری بر صحت تفسیر وقوع شق القمر در زمان حیات رسول خدا (ص) را «جمله حالیه بودن» و نزدیک بودن و وقوعش را قبل از قیامت می‌داند. (قونوی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۹/۱۸-۳۰۷)

۱-۱۳. تفاسیر قرن سیزدهم هجری

تفسیر شبیر (۱۲۴۲ق) با تکیه بر پایه‌ی نظرات تفسیر قمی مطالب را بیان کرده است. (شبیر، ۱۴۰۷ق: ۱۱۵/۶) گروه دیگر تفاسیر با تاکید بر وقوع انشقاق قمر در صدر اسلام نظرات مخالفان را نیز بیان کرده‌اند از جمله، جمل (۲۰۴ق) که معتقد است شکاف ماه فقط یکبار رخ داده است. وی آنچه قرطبی از قول دیگران که گفته‌اند شکاف ماه هنوز رخ نداده و در آینده اتفاق خواهد افتاد و گفته ماوردی که اگر جدا شده بود هیچ‌کس باقی نمی‌ماند مگر او را می‌دید و حسن که ماه پس از نفخه دوم شکافته می‌شود، را فقط ذکر می‌کند. ظاهراً نیازی به نقد آن‌ها حس نمی‌کند. (جمل، ۱۴۲۷ق: ۳۳۹-۳۴۰/۷) صاوی (۱۲۴۱ق) نیز چون او به نقد این رأی نمی‌پردازد. (صاوی، ۱۴۲۷ق: ۱۱۴/۴) ابن عجبیه (۱۲۲۴ق) در تایید امکان وقوع آن در زمان حضرت و علت عدم مشاهده همه مردم می‌گوید خداوند مجاز است آن را با ابر یا چیزهای دیگر بپوشاند. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق: ۵۲۲-۵۲۱/۵) شوکانی (۱۲۵۰ق) و آلوسی (۱۲۷۰ق) با اشاره به قول زجاج بطلان قول کسانی که معتقدند ماه در قیامت شکافته می‌شود را واضح و روشن دانسته‌اند، زیرا آیه بعد بیان می‌دارد که کفار آن را انکار کردند. (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۶/۵-۱۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷۴/۱۴-۷۶)

۱-۱۴. تفاسیر قرن چهاردهم هجری

دسته اول از تفاسیر در این قرن فقط اکتفا به بیان نظر صحابه می‌کنند. (سلطان‌علی‌شاه، ۱۴۰۸ق: ۱۲۶/۴-۱۲۸؛ قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۴۲۸/۶-۳۴۲۵؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۶۷/۲۷-۱۶۲؛ بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۲۶۴/۶-۲۶۵)

دسته دیگر مفسرینی هستند که با تأکید به صحت قول وقوع شق القمر در زمان حیات رسول‌خدا(ص) به ذکر شبهات مخالفان و گاه به پاسخ تفصیلی آن‌ها نیز پرداخته‌اند. صدیق حسن‌خان(۱۳۰۷ق) از قول زجاج این اشکال که اگر در زمان نبوت از هم جدا شده بود، باید همه مردم آن را می‌دیدند زیرا نشانه‌ای برای همه مردم بوده است، بدون پاسخ تفصیلی فقط نقل و رد می‌کند. (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰ق: ۴۷۵/۶-۴۷۲) حائری طهرانی(۱۳۴۰ق) نیز به ذکر اینکه همه مفسرین بر این امر اجماع دارند، به غیر از عثمان بن عطاء به نقل از پدرش و بلخی، اکتفا می‌کند. (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش: ۲۸۷/۱-۲۸۵) ولیکن نه‌اوندی(۱۳۷۱ق) در ردّ تشکیک در صحت شق القمر می‌گوید: در آن تردید وجود ندارد. بسیاری از مردم به موقعیت‌های نجومی توجه ندارند، همان‌طور که می‌بینیم اغلب به کسوف ماه توجه نمی‌کنند و ممکن است زمانی اتفاق افتاده باشد که اکثر مردم در خواب بودند. (نه‌اوندی، ۱۳۸۶ش: ۱۰۲/۶-۱۰۱) شاه‌عبدالعظیمی(۱۳۸۴ق) جهت رفع شبهه در خرق و التیام اشیاء و عدم نقل همه مورخین از قول شیخ بهائی(رحمه‌الله) در کشکول چنین می‌نویسد: برای صاحبان نفوس قدسیه تصرف در اجرام ارضیه و سماویه به سبب تأییدات الهیه مانند تصرف آن حضرت(ص) در ماه، چیز عجیب و غریب و ناشدنی نیست. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۳۶۹/۱۲-۳۶۶) آل‌غازی(۱۳۹۸ق) درباره شبهه‌ی اگر اتفاق افتاده بود از چشم‌ها پنهان نمی‌ماند، می‌گوید خداوند مجاز است آن را با ابرها و یا امثال آن بپوشاند و مضافاً اینکه فقط افراد خاصی هستند که به آسمان توجه دارند. (آل‌غازی، ۱۳۸۲ق: ۲۸۸/۱-۲۷۲)

۱۰-۱. تفاسیر قرن پانزدهم هجری

گروهی از تفاسیر این قرن مانند دوره‌های قبل، فقط تأکید بر وقوع شق القمر در زمان رسول‌خدا(ص) بدون اشاره به قول مخالفین کرده‌اند. (از جمله: زحیلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۶/۲۷-۱۴۹؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۳۴۷/۱۲-۳۴۶؛ حجازی، ۱۴۱۳ق: ۵۶۸/۳-۵۶۷؛ زبیدی، ۱۴۲۸ق: ۳۳۶/۷-۳۳۴؛ جزایری، ۱۴۱۶ق: ۲۰۶/۵؛ میدانی، ۱۳۶۱ش: ۳۲۲/۳-۳۲۴؛ حوی، ۱۴۲۴ق: ۵۶۰/۳-۵۶۰)

گروه دوم تفاسیری که با تکیه بر نظر صحابه، به بیان شبهات و پاسخ به آن‌ها برآمده‌اند. تفاسیر این دوره با تأثیر پیشرفت علم و تکنولوژی همراه است. در این تفاسیر بحث نظریه ریاضی‌دان‌ها در خصوص انفصال ماه از زمین، مطرح و پاسخ داده می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان سخن کسانی را که با استناد به چند آیه قرآنی به وقوع معجزه شق القمر چنین اشکال کرده‌اند که معجزات پیامبر اکرم (ص) با اقتراح و پیشنهاد مردم انجام نمی‌شد، را منافات با آیه «وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ...» (الإسراء/ ۵۹) دانسته است و علت عدم نزول عذاب بر قوم ایشان پس از تکذیب این معجزه (که سنت خداوند بر همه اقوام چنین بوده) را چیز دیگری دانسته است. در این تفسیر به دیگر شبهات مطرح شده نیز پاسخ داده شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۶۵/۱۹-۵۵) جوادی آملی در تفسیر تسنیم به نکته خاصی توجه می‌دهد که در محال دانستن انشقاق بر اساس توهم خرق التیام، فرقی ندارد که بگوییم گذشته است یا «سینشق القمر» آینده اتفاق می‌افتد. اگر چنین چیزی محال باشد فرقی نمی‌کند چه در گذشته چه در آینده، محال واقع شدنی نیست و این توهم باطل است. اگر جایی مستقبل را با ماضی تعبیر کردند، نکته‌اش آن است که مستقبل محقق الوقوع در حکم ماضی است نه اینکه ما فعل ماضی را به معنای مضارع بگیریم، این تعبیر درست نیست. پس انشقاق قمر ممکن است، وقتی ممکن شد ظاهر حجت است پس دلیلی نداریم که این «انشق» را به معنی «ینشق» و مانند آن بگیریم. (جوادی آملی، فایل صوتی، جلسه ۹۶/۱/۲۷) مکارم شیرازی در تفسیر نمونه به این شبهه که چگونه ممکن است این کره عظیم آسمانی شکافته شود و چنین حادثه‌ای چه تأثیراتی بر نظم کره زمین و منظومه شمسی می‌گذارد و چگونگی جذب دونیمه ماه بعد از شکافتن ماه و اینکه چگونه ممکن است چنین حادثه‌ای رخ داده باشد و تواریخ جهان ذکری از آن به میان نیاوردند و سؤالات دیگری در این زمینه پاسخ داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۱۸/۲۳-۸) صادقی تهرانی گفته است که اگر نظر مخالفان وقوع شق القمر در گذشته صحت داشته باشد، بیان آیه «تکذیب و سحری مستمر» با آن سازگار نیست. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۴۷۰/۲۷-۶۸) قرشی بنابی، قولی که منظور آیه را انفصال زمین از خورشید در وقت خلقت دانسته، را غلط می‌داند. زیرا انشقاق از باب انفعال آنست که شکافتن در خود شیء واقع شود، اگر آن‌طور بود کلمه اشتقاق از باب افتعال به کار می‌رفت، وانگهی این سخن با آیه «وَإِنْ يَرَوْا...» نمی‌سازد. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش: ۴۳۴/۱۰-۳۹) حسینی همدانی معتقد است نظر حسن، عطاء و بلخی که گفته‌اند مفاد آیه آنست که هنگام قیامت قرص ماه دونیمه خواهد شد و تعبیر به لفظ ماضی به جمله «أُنشِقَ» از نظر تحقق وقوع آنست، را آیه متصله رد می‌نماید. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۵۲/۱۶-۵۰)

ثقفی تهرانی اگرچه در تفسیر آیه «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أُنشِقَ الْقَمَرُ» بعضی گفته‌اند مراد انشقاق قمر در قیامت است که برای تحقق وقوع از آن به ماضی تعبیر شده، این معنی مخالف با ظاهر این آیه و

آیه بعد است. چون ظاهر آیه معجزه است که حمل بر سحر می‌شود نه علامت قیامت؛ زیرا آن وقت احتیاجی به معجزه نیست و آیه حمل بر سحر نمی‌شود و اگر مراد از کلمه «آیه» معجزه دیگری باشد، ارتباط بین دو آیه از بین می‌رود و سیاق کلام مخالف با آنست. (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق: ۹۸/۵-۱۰۰) بانوی اصفهانی، صابونی و خرم‌دل گفتار آن کسی که «أَنْشَقَّ الْقَمَرُ» را حمل به موقع قیامت نموده، از این لحاظ که در آیات دیگری شکافته شدن قمر را یکی از علائم قیامت به‌شمار آورده هیچ‌گونه قابل توجه و اعتنا ندانسته و حمل ماضی بر مستقبل را بعید شمرده‌اند. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ش: ۱۳/۴۲۲-۴۱۸؛ صابونی، ۱۴۲۱ق: ۳/۲۶۶؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴ش: ۱/۱۱۲۸)

۲. تاریخ‌گذاری آراء تفسیری مخالف انشقاق قمر در زمان رسول‌الله (ص)

در مقابل نظر اول، گروهی از مفسرین وقوع «انشقاق قمر» را در زمان حیات حضرت ندانسته و آیه مذکور را ناظر به وقایع قیامت در آینده می‌دانند. تاریخ‌گذاری این تفسیر می‌تواند در روشن شدن ابعاد مختلف این مناقشه مؤثر واقع شود.

۲-۱. تفاسیر قرن چهارم هجری

از قرن اول تا چهارم در تفاسیر بحثی در خصوص نظریات مخالفان وقوع انشقاق قمر در زمان حیات رسول اکرم (ص) نیست و اولین مورد توسط ماتریدی (۳۳۳ق) ارائه می‌شود. وی معتقد است که در آیه تقدم و تأخر وجود دارد و معنای آیه این می‌شود که ماه نزدیک قیامت شکافته و قیامت برپا خواهد شد. وی این رأی خود را مستند به قول عبدالرحمن بن کیسان ابی بکر الاصم (۲۲۵ق) (زرکلی، ۱۹۸۹م: ۳/۳۲۳؛ داودی، بی تا: ۱/۲۷۴) می‌کند. از سوی دیگر استدلال می‌کند که اگر ماه در زمان پیامبر اکرم (ص) تقسیم شده بود از دید آفاق پنهان نمی‌ماند و در حد تواتر منتقل می‌شد، چون انشقاق قمر یک مسأله عجیب و نادری است که ماهیت انتشار دارد. ماتریدی بیان می‌دارد که بعضی در پاسخ گفته‌اند لازم است خداوند آن را از آفاق بپوشاند و به خاطر بعضی از امور نفسانی و یا ادعای رسالت کاذب که از لطف خداوند است و این اعجاز فقط برای حاضرین باشد. (ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ۹/۴۴۲)

سمرقندی (۳۹۵ق) در ذیل آیه «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ أَنْشَقَّ الْقَمَرُ» گفته: قیامت نزدیک شد و یکی از نشانه‌های آن انشقاق قمر است و آیه «وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا...» یعنی اهل مکه نشانه‌ای از آیات خداوند را دیدند و بدون تفکر از قبول آن اعراض کردند و گفتند که سحر شدیم. وی در تفسیر خود، نظر کسانی را که معتقدند در آینده اتفاق خواهد افتاد را با تاکید بیان می‌کند: «در آینده یعنی در قیامت، ماه منشق خواهد شد». (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۳/۳۷۰-۳۶۹)

۲-۲. تفاسیر قرن پنجم تا چهاردهم هجری

در طی گذشت این قرون، تفاسیر موافق انشقاق قمر با حفظ امانت همان نظر صحابه را مطرح کردند و گروهی از تفاسیر به نقد نظرات مخالفان اکتفا می‌کردند و در این دوران، تفاسیر مخالف مطرحی وجود نداشت تا قرن چهاردهم که «مراغی و مغنیه» تفسیر آیات ابتدایی سوره قمر و ماجرای انشقاق قمر را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرده و آن را موکول به آینده می‌کنند. مراغی (۳۷۱ق) بیان می‌دارد که این اخبار در مورد انشقاق قمر و وقوع آن در آینده است و ماضی به معنی مستقبلی است که در آینده حتماً اتفاق خواهد افتاد. وی استدلال می‌کند که اگر اتفاق افتاده بود همه باید مشاهده می‌کردند و روایات آن مجرد است. وی با تحلیل روایت حدیفه (خطبه در مدائن) در مورد رویدادهای زمان پیامبر اکرم (ص)، به این نتیجه می‌رسد که هیچ ارتباطی بین تأیید نبوت و انشقاق قمر نیست. (مراغی، بی تا: ۷۸-۷۶/۲۷) مغنیه (۱۴۰۰ق) نیز از مخالفان انشقاق قمر و معجزه آن حضرت (ص) است. وی بیان می‌دارد این حادثه با چندین آیه در تضاد است. آیاتی که ناظر به عدم پاسخ‌گویی پیامبر اکرم (ص) به درخواست مشرکان درباره امور خارق‌العاده است. از سوی دیگر اگر چنین اتفاقی رخ داده بود، می‌بایست دانشمندان و مورخان بیگانه و دیگران نیز این حادثه را ثبت می‌کردند. این موضوع جز از راه خبر متواتر به اثبات نمی‌رسد و جمله «وَ اَنْشَقَّ الْقَمَرُ» چون پس از جمله «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ» آمده، نشان می‌دهد که ماه در هنگامی که قیامت برپا شود به دو نیم تقسیم می‌شود. (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱۹۰/۷-۱۸۹)

۲-۳. تفاسیر قرن پانزدهم هجری

در این قرن، فضل‌الله صاحب تفسیر من وحی القرآن مخالف وقوع انشقاق در زمان حیات آن حضرت است و انشقاق را از علائم برپایی قیامت می‌داند و دو احتمال را بیان می‌کند: (۱) این آیه در زمان نزول قرآن از نزدیک شدن قیامت و پایان زمان دنیا صحبت می‌کند و اینکه انسان باید خودش را برای چنین روزی آماده کند. (۲) آیه در مورد آینده‌ی مرحله‌ای از پایان جهان صحبت می‌کند که به صورت صیغه ماضی بیان شده، وی هر دو احتمال را ممکن می‌داند. ایشان معتقد است آیه‌ی «... وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» بیان می‌دارد که پیامبر اکرم (ص) را ساحر می‌نامند که با آیات قرآن مقابله کنند. در اصل آن‌ها این تصور را داشتند که تأثیر آیات قرآن مانند یک روش جادویی توانسته بود بین افراد و فرزندان و برادران جدایی اندازد. این آیه در رابطه با یک معجزه‌ای که آن‌ها دیده‌اند صحبت نمی‌کند که به پیامبر اکرم (ص) ساحر بگویند، بلکه در مورد ماهیت موضوعی کلی صحبت می‌کند که آن‌ها هر چیزی که باعث هدایت آن‌ها شود، واکنش نشان

می‌دهند و از واقعیت‌ها می‌گیرند. وی معتقد است، اگر ماه شکافته شود همه مردم آن را می‌دیدند و منجمین شرق و غرب آن را گزارش می‌کردند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۲۷۶/۲۱-۲۷۵)

دروزه نیز تمایل به مخالفان دارد و بیان می‌کند: هرگاه از او معجزه می‌خواستند قرآن به آنها پاسخ می‌داد که پیامبر انسانی، مانند سایر انسان‌ها است که آنچه بر او نازل می‌شود پیروی می‌کند و اینکه قرآن نهایت معجزه است. همچنین با استناد به آیه ۵۹ سوره الإسراء که پیشینیان معجزات را تکذیب می‌کردند و این امت هم تکذیب می‌کنند و خداوند نمی‌خواهد آنها را عذاب کند از معجزات صرف نظر می‌کند؛ ضمن اینکه روایان احادیث به غیر از «ابن مسعود» بقیه از ابناء مدنی هستند. این عوامل باعث این نظریه که در قیامت انشقاق قمر صورت پذیرد را تقویت می‌کند. (دروزه، ۱۴۲۱ق: ۲۷۶/۲-۲۷۳) خطیب به عنوان مخالف انشقاق قمر علت مخالفت خود را با چند دلیل بیان می‌دارد: اول، اینکه معجزه پیامبر اسلام (ص) قرآن کریم است. دوم، اگر معجزه‌ای برای پیامبر اسلام (ص) اشد، شق القمر یکی از آنها نیست. چون طبق آیات (الإسراء/۹۲-۹۰) مشرکان مکه معجزات دیگری از آن حضرت می‌خواستند. سوم، اگر شکافتن ماه معجزه‌ای بود که باید به آن شهادت دهند، پس باید ساعت و زمان تاریخ آن مشخص می‌کرد. ولی از روایات این فهمیده می‌شود که یک شب ماه شکافته شد و پیامبر اکرم (ص) و عده‌ای آن را دیدند و آن حضرت می‌خواهد شهادت دهند. این قابل تصور نیست که آن حضرت قبل از اینکه آنها را مطلع کند ماه را شکافته و از آنها می‌خواهد به صداقت پیام او گواهی دهند. چهارم، خورشید در زمان پیامبر اکرم (ص) در مدینه گرفت و این در روز مرگ فرزندش ابراهیم اتفاق افتاد، بنابراین مردم می‌گفتند به دلیل مرگ ابراهیم خورشید گرفت. پس پیامبر اکرم (ص) مردم را به سوی خود فراخواند، سپس خطاب کرد و گفت: «خورشید و ماه دو نشانه خدا هستند، آنها به دلیل مرگ یا جان کسی کسوف نمی‌شوند». پنجم، اگر پیامبر اکرم (ص) می‌خواست قوم خود را با یک معجزه مادی به چالش بکشد؛ چرا شکافتن ماه و پاره‌شدن آن در آسمان را انتخاب کرد. آیا بهتر نیست او چیز قابل لمس را بین دستان خود به آنها نشان دهد، مانند چشمه آبی یا اشاره به یکی از کوه‌های اطراف آنها و حرکت از جای خود؟ آوردن خبر شکافتن ماه در زمان گذشته فرض وقوع عمل نیست؛ زیرا گذشته نشان می‌دهد وقوع حتمی آن ناگزیر در آینده رخ می‌دهد. (خطیب، ۱۴۲۴ق: ۶۳۳/۱۴-۶۲۷)

نتیجه

در تفسیر آیه اول سوره «القمر» آنچه از عصر صحابه رسیده بر انشقاق قمر و معجزه نبی مکرم اسلام (ص) است که اکثر تفاسیر بر این نظر تصریح دارند و از طرفی اولین تفسیر مخالف نظر

سیر تطور معنای «انشقاق قمر» در تفاسیر قرآن کریم

مشهور صحابه، در رابطه با آیه اول سوره «القمر» و بحث انشقاق قمر در قرن چهارم توسط ماتریدی (۳۳۳) مطرح شده که رأی خود را مستند به قول ابی بکر الاصم (۲۲۵ق) که در آینده ماه شکافته می‌شود، می‌کند و تا قبل از این تاریخ ما هیچ ردی از مخالفان در تفاسیر نداریم. در تفاسیر قرن پنجم برای اولین بار از عثمان بن عطاء، حسن بصری و بلخی، به‌عنوان موافقان انشقاق قمر در آینده (قیامت) نام برده می‌شود. از این تاریخ به بعد اسامی این افراد به‌عنوان موافقان نظریه ماضی در حکم مستقبل و تأکید بر وقوع انشقاق قمر در آینده یا بعد از نوحه دوم انشقاق قمر صورت می‌پذیرد که تا قرن ۱۵ در تفاسیر موافق و مخالف انشقاق قمر شاهد آن هستیم و در قرن هفتم ما شاهد وارد شدن بحث «حرق و التیام در آسمان» و اینکه با انشقاق، نظم کیهانی دچار اختلال می‌شود روبرو می‌شویم.

در قرن هشتم تا چهاردهم مباحث به این شکل که موافقان تعدادی بدون اشاره به نظر مخالفان، آیه را تفسیر و بر معجزه بودن آن تأکید داشتند و گروهی دیگر از موافقان، نظر مخالفان را بیان و به آن‌ها پاسخ می‌دادند و گروهی هم بدون اینکه نظری را تأیید یا نقد کنند، فقط با ذکر شبهات از کنار آن می‌گذشتند. در قرن چهاردهم تفاسیر (الکاشف و المراغی) به‌عنوان مخالف، شبهات گذشته را تکرار کردند.

در قرن پانزدهم اکثریت تفاسیر موافق، همان نظرات صحابه را با حفظ امانت‌داری بیان کردند. از مخالفین این قرن می‌توانیم به فضل‌الله صاحب تفسیر (من و حی القرآن) اشاره کنیم که ضمن رد معجزات به غیر از قرآن کریم برای رسول خدا (ص)، اعتبار روایات انشقاق قمر را نیز مورد تردید قرار می‌دهد. آنچه مسلم است، از قرن چهارم با پیدایش نحله‌های فکری جدید و عقل‌گرا کم‌کم این موضوع که به هر پدیده‌ای با شک نگریست و باید با عقل بشری سازگار باشد و غیره را مطرح نمودند، شاهد این شبهات در انشقاق قمر و معجزات آن حضرت (ص) هستیم.

نظر مخالفان حاوی این گزاره است که پیامبر اکرم (ص) دون هیچ حاشیه‌ای آیات سوره قمر را برای مردم مکه قرائت می‌کند و می‌فرمایند: «قیامت نزدیک شد و ماه شکافته شد و کفار آیات الهی را تکذیب کردند و گفتند که آن حضرت (ص) آن‌ها را جادو کرده و دو نیمه ماه را به آن‌ها نشان داده است» اما سکوت دشمنان اسلام چون ابوسفیان، مشرکان مکه و دیگران و قبول اینکه منظور خداوند از آوردن فعل ماضی در حکم مستقبل و تأکید که در آینده اتفاق خواهد افتاد و همچنین پذیرش این اتهام قرآن و رسول خدا (ص) توسط مشرکان با وجود عدم انشقاق در ماه، این نظریه را با مشکل جدی روبرو می‌کند. از طرفی روایات انشقاق قمر که از صحابه شناخته شده‌ای مانند ابن

عباس، ابن مسعود، جبیر بن مطعم، ابن عمر، انس و دیگران که تا ۲۵۰ سال در سایه ائمه اطهار: رد و تعدیل نشده است و روایتی دال بر مذمت این تفسیر نیامده، جای تأمل دارد. ضمن اینکه نظریه مخالفان انشقاق قمر، باب‌های اعجاز پیامبر اکرم (ص) را در کتب روایی فریقین بی اعتبار و ساقط کرده است.

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. آل‌غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی*، سوریه - دمشق، مطبعة الترقی، چاپ اول.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳. ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ق)، *تفسیر ابن ابی‌زمین*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۲ق)، *مسند*، محقق: عامر غضبان و دیگران، لبنان - بیروت، مؤسسه لرسالة، چاپ اول.
۵. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، لبنان - بیروت، شرکة دارالأرقم بن أبی الأرقم، چاپ اول.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، لبنان - بیروت، دار الکتب العربی، چاپ اول.
۷. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، لبنان - بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، چاپ اول.
۸. ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام (۱۴۲۹ق)، *تفسیر العز بن عبدالسلام*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۹. ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق)، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، مصر - قاهره، نشر حسن عباس زکی، چاپ اول.
۱۰. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*، سوریه - دمشق، مطبعة نصر، چاپ اول.

۱۱. ابن عرفه، محمد بن محمد (۲۰۰۸م)، *تفسیر ابن عرفه*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۱۲. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، دارالکتب العلمیه، لبنان - بیروت، چاپ اول.
۱۴. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م)، *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
۱۶. ابوحنان، محمد بن یوسف (۱۴۰۷ق)، *تفسیر النهر الماد من البحر المحیط*، لبنان - بیروت، دار الجنان، چاپ دوم.
۱۷. أدنه وی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق)، *طبقات المفسرین (أدنه وی)*، محقق: سلیمان بن صالح، عربستان سعودی - مدینه منوره، مکتبه العلوم و الحكم، چاپ اول.
۱۸. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول.
۱۹. ایجی، محمد عبدالرحمن (۱۴۲۴ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (ایجی)*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲۰. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱ش)، *تفسیر مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان، چاپ اول.
۲۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه، چاپ اول.
۲۲. بخاری، محمد (۱۴۱۰ق)، *صحیح البخاری*، مصر - قاهره، وزارت الاوقاف، چاپ دوم.
۲۳. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۴. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، *نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم.

۲۵. بلاغی، عبدالحجه (۱۳۸۶ق)، *حجۃ التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، قم، حکمت (چاپخانه)، چاپ اول.
۲۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۲۷. ترمذی، محمد بن عیسی، *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*، دار الحدیث، مصر - قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۸. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، *تفسیر التستری*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۲۹. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۳۰. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبیان المعروف بتفسیر الثعلبی*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۳۱. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران، برهان، چاپ دوم.
۳۲. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق)، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، اردن - عمان، دارالفکر، چاپ اول.
۳۳. جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق)، *ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*، عربستان - مدینه منوره، مکتبه العلوم والحکم، چاپ اول.
۳۴. جزایری، نعمت الله بن عبدالله (۱۳۸۸ش)، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، قم، نور وحی، چاپ اول.
۳۵. جمل، سلیمان بن عمر (۱۴۲۷ق)، *الفتوحات الإلهیة بتوضیح تفسیر الجلالین للدقایق الخفیة*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۶. حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸ش)، *مقتنیات الدرر*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
۳۷. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، *التفسیر الواضح*، لبنان - بیروت، دار الجیل، چاپ دهم.
۳۸. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، لطفی، چاپ اول.
۳۹. حوی، سعید (۱۴۲۴ق)، *الاساس فی التفسیر*، مصر - قاهره، دار السلام، چاپ ششم.
۴۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.

۴۱. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۴۲. خرم دل، مصطفی (۱۳۸۴ش)، *تفسیر نور (خرم دل)*، تهران، احسان، چاپ چهارم.
۴۳. خزر جی، احمد بن عبدالصمد (۱۴۲۹ق)، *تفسیر الخزر جی المسمی نفس الصباح فی غریب القرآن و ناسخه و منسوخه*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۴۴. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۴۵. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، لبنان - بیروت، دار الفکر العربی، چاپ اول.
۴۶. داودی، محمد بن علی (بی تا)، *طبقات المفسرین (داودی)*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۴۷. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*، لبنان - بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم.
۴۸. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۴۹. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹ق)، *رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز*، عربستان - مکه مکرمه، مکتبه الأسدی، چاپ اول.
۵۰. زبیدی، ماجد ناصر (۱۴۲۸ق)، *التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت*، لبنان - بیروت، دار المحجة البيضاء، چاپ اول.
۵۱. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م)، *الأعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین)*، لبنان - بیروت، دار العلم للملایین، چاپ هشتم.
۵۲. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، سوریه - دمشق، دار الفکر، چاپ اول.
۵۳. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، لبنان - بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.

٥٤. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (١٤٠٨ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
٥٥. سمرقندی، نصر بن محمد (١٤١٦ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، لبنان - بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
٥٦. سمین، احمد بن یوسف (١٤١٤ق)، *الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
٥٧. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (١٤٠٤ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالماثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول.
٥٨. شاه عبدالعظیمی، حسین (١٣٦٣ش)، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات، چاپ اول.
٥٩. شبر، عبدالله (١٤٠٧ق)، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، شرکه مکتبه الالفین، چاپ اول.
٦٠. شفیع، محمد (بی تا)، *مفسران شیعہ*، بی جا، دانشگاه پهلوی.
٦١. شوکانی، محمد (١٤١٤ق)، *فتح القدير*، سوریه - دمشق، دار ابن کثیر، چاپ اول.
٦٢. شیخ زاده، محمد بن مصطفی (١٤١٩ق)، *حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
٦٣. صابونی، محمد علی (١٤٢١ق)، *صفوة التفاسیر*، لبنان - بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
٦٤. صادقی تهرانی، محمد (١٤٠٦ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه*، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
٦٥. صاوی، احمد بن محمد (١٤٢٧ق)، *حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ چهارم.
٦٦. صدیق حسن خان، محمد صدیق (١٤٢٠ق)، *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
٦٧. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (١٤١١ق)، *تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق*، لبنان - بیروت، دار المعرفة، چاپ اول.
٦٨. طباطبایی، محمد حسین (١٣٩٠ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

۶۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن - اربد، دار الکتب الثقافی، چاپ اول.
۷۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۷۱. _____ (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۷۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، لبنان - بیروت، دار المعرفه، چاپ اول.
۷۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۷۴. طوفی، سلیمان بن عبدالقوی (۱۴۲۶ق)، *الإشارات الالهیه الی المباحث الاصولیه*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۷۵. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، چاپ دوم.
۷۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۷ش)، *طبقات مفسران شیعه*، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
۷۷. علوی مهر، حسین (۱۳۸۴ش)، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
۷۹. فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن (فراء)*، مصر - قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، چاپ اول.
۸۰. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، لبنان - بیروت، دار الملائک، چاپ اول.
۸۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۸۲. _____ (۱۴۱۸ق)، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول.
۸۳. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.
۸۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول.

۸۵. قشیری، عبدالکریم بن هوزان (۲۰۰۰م)، *لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*، مصر - قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، چاپ سوم.
۸۶. قطب، سید (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، لبنان - بیروت، دار الشروق، چاپ سی و پنجم.
۸۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
۸۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، چاپ سوم.
۸۹. قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق)، *حاشیة القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیة ابن التمجید*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۹۰. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق)، *زبدة التفاسیر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
۹۱. _____ (۱۳۷۳ش)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
۹۲. کاشفی، حسین بن علی (بی تا)، *تفسیر حسینی (مواهب علیہ)*، سراوان، کتابفروشی نور، چاپ اول.
۹۳. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۹۴. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، *النکت والعیون تفسیر الماوردی*، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۹۵. مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، لبنان - بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۹۶. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰ش)، *تفسیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۹۷. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
۹۸. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۹۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم.
۱۰۰. مکی بن حموش (۱۴۲۹ق)، *الهدایة إلی بلوغ النهایة*، امارات - شارجه، جامعه الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، چاپ اول.
۱۰۱. مهائمی، علی بن احمد (۱۴۰۳ق)، *تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان*، لبنان - بیروت، عالم الکتب، چاپ دوم.

۱۰۲. میدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم.
۱۰۳. میدانی، عبدالرحمن حسن حینکه (۱۳۶۱ش)، *معارج التفکر و دقائق التدبیر*، سوریه - دمشق، دارالقلم، چاپ اول.
۱۰۴. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، لبنان - بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۱۰۵. نهاوندی، محمد (۱۳۸۶ش)، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثه، مرکز الطباعة والنشر، چاپ اول.
۱۰۶. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن (۱۴۱۰ق)، *وضح البرهان فی مشکلات القرآن*، لبنان - بیروت، دارالقلم، چاپ اول.
۱۰۷. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز (واحدی)*، لبنان - بیروت، دارالقلم، چاپ اول.

سایت آیت الله جوادی آملی <http://javad.i.esra.ir/archive-tafsir1>

نرم افزارها

- * **جامع التفاسیر نور (۳)**، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- * **کتابخانه احادیث فریقین**، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- * **گنجینه روایات نور (۱/۲)**، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.